

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دست بركاة

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۴

جلسه ۴۲ - شنبه ۲۷/۱۰/۹۳

متن صحیح‌ی دوم زراره به نقل از تهذیب

عَنْهُ (الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ) عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ أَصَابَ ثَوْبِي دَمَ رُعَافٍ أَوْ غَيْرِهِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ مَيِّ فَعَلِمْتُ أَثَرَهُ إِلَى أَنْ أُصِيبَ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَأَصَبْتُ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَنَسِيتُ أَنَّ بِثَوْبِي شَيْئًا وَصَلَّيْتُ ثُمَّ إِنِّي ذَكَرْتُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ تُعِيدُ الصَّلَاةَ وَتَغْسِلُهُ قُلْتُ فَإِنِّي لَمْ أَكُنْ رَأَيْتُ مَوْضِعَهُ وَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ فَطَلَبْتُهُ فَلَمْ أَقِدِرْ عَلَيْهِ فَلَمَّا صَلَّيْتُ وَجَدْتُهُ قَالَ تَغْسِلُهُ وَتُعِيدُ قُلْتُ فَإِن ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَ لَمْ أَتَيَّقَنَّ ذَلِكَ فَتَنَظَرْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئًا ثُمَّ صَلَّيْتُ فَرَأَيْتُ فِيهِ قَالَتْ تَغْسِلُهُ وَ لَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ قُلْتُ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَّكَتَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبَدًا قُلْتُ فَإِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَ لَمْ أَدْرِ أَيْنَ هُوَ فَأَغْسَلْتُهُ قَالَ تَغْسِلُ مِنْ ثَوْبِكَ التَّاحِيَةَ الَّتِي تَرَى أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهَا حَتَّى تَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ قُلْتُ فَهَلْ عَلَيَّ إِنْ شَكَّكَتُ فِي أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَنْ أَنْظُرَ فِيهِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّكَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تُذْهَبَ الشَّكُّ الَّذِي وَقَعَ فِي نَفْسِكَ قُلْتُ إِنْ رَأَيْتُهُ فِي ثَوْبِي وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ قَالَ تَنْقُضُ الصَّلَاةَ وَ تُعِيدُ إِذَا شَكَّكَتَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهُ ثُمَّ رَأَيْتُهُ وَ إِنْ لَمْ تَشْكُ ثُمَّ رَأَيْتَهُ رَطْبًا قَطَعْتَ الصَّلَاةَ وَ غَسَلْتَهُ ثُمَّ بَنَيْتَ عَلَى الصَّلَاةِ لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّهُ شَيْءٌ أَوْ قَعَّ عَلَيْكَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ!

در این روایت، زرارہ شش مسأله را به صورت «قُلْتُ» مطرح می‌کند و امام علیه السلام پاسخ می‌دهند.

سؤال اول زرارہ: نجاستی به لباس من اصابت کرد و آن را علامت‌گذاری کردم تا با آب بشویم. وقتی

به آب دست یافتم موقع نماز شد و فراموش کردم و با همان لباس نماز گزاردم.

۱. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۸.

حضرت فرمودند: «تُعِيدُ الصَّلَاةَ وَتَغْسِلُهُ».

سؤال دوم: دانستم نجاستی به لباس برخورد کرد، ولی ندانستم موضع نجاست کدام قسمت است و هرچه گشتم آن را پیدا نکردم و وقتی نماز خواندم آن را یافتم.

حضرت فرمودند: «تَغْسِلُهُ وَتُعِيدُ».

در اینجا فرض آن است که فرد علم اجمالی به نجاست داشته است، لذا یقین به نجاست لباس داشته است و با علم به نجاست، نماز خوانده است؛ بر خلاف صورت قبلی که فراموش کرده بود.

از این جهت فتوای مشهور یا اشهر آن است^۱ که اگر کسی نجاستی در لباسش باشد و فراموش کند و در آن لباس نماز بخواند، باید اعاده کند؛ کما اینکه اگر علم اجمالی به نجاست داشت و بعداً آن را یافت باید اعاده کند.

سؤال سوم: زراره می‌پرسد که گمان کردم نجاستی به ثوبم اصابت کرد و یقین به آن پیدا نکردم و فحص از آن کردم ولی چیزی نیافتم، سپس نماز خواندم و نجاست را دیدم.

حضرت فرمودند: «تَغْسِلُهُ وَلَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ»؛ لباس را برای نمازهای بعدی بشوی ولی این نماز اعاده ندارد.

زراره پرسید: چرا در صورت سوم اعاده‌ی صلاة لازم نیست؟

حضرت فرمودند: «لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَّكَ»؛ زیرا تو یقین بر طهارت داشتی و سپس شک کردی، «فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبَدًا».

سؤال چهارم: زراره پرسید اگر بدانم نجاستی به لباس من برخورد کرده است ولی موضع آن را نمی‌دانم آیا باید لباس را بشویم؟

حضرت فرمودند: «تَغْسِلُ مِنْ ثَوْبِكَ النَّاحِيَةَ الَّتِي تَرَى أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهَا حَتَّى تَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ»؛ آن قسمتی که می‌دانی آن نجاست در آن قسمت واقع شده، شستشو کن تا یقین کنی آن نجاست متیقنه‌ی سابقه پاک شده است.

سؤال پنجم: زراره پرسید اگر شک داشتم چیزی از نجاست به من برخورد کرده است، آیا بررسی آن لازم است؟

۱. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)، ج ۲، ص ۱۸۴:

قوله قدس سره: [لو صلى و على بدنه أو ثوبه النجاسة التي لم يعف عنها] عالماً أو ناسياً أعاد مطلقاً قد مرَّ الكلام في المسألة و أنه مع العلم إجماعاً، بل كاد يكون ضرورياً، و مع النسيان أنه الأشهر أو المشهور و أن هناك أقوالاً اخر كالعدم مطلقاً أو أنه إذا خرج الوقت.

حضرت فرمودند: «لَا وَلَكِنَّكَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تُذْهَبَ الشَّكُّ الَّذِي وَقَعَ فِي نَفْسِكَ»؛ خیر بررسی لازم نیست، مگر اینکه بخواهی خیال خودت را راحت کنی و از شکی که داشتی رها شوی، ولی مادامی که یقین نداری، نظر کردن و فحص لازم نیست.

لهذا گفته‌اند در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست هرچند علم آن در آستین شما باشد.

سؤال ششم: زراره پرسید اگر مشغول نماز بودم و خونی در لباس دیدم چه کنم؟

حضرت فرمودند: «تَنْقُضُ الصَّلَاةَ وَ تُعِيدُ إِذَا شَكَّكَتَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهُ ثُمَّ رَأَيْتَهُ فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ»؛ هرگاه در موضع نجاست شک داشتی و سپس آن را دیدی، نماز را نقض کن و دوباره بخوان، «وَإِنْ لَمْ تَشْكُ ثُمَّ رَأَيْتَهُ رَطْبًا قَطَعْتَ الصَّلَاةَ وَ غَسَلْتَهُ ثُمَّ بَنَيْتَ عَلَى الصَّلَاةِ»؛ ولی اگر شک نداشتی و سپس خون تازه دیدی، نماز را قطع می‌کنی و آن را پاک می‌کنی و نماز را ادامه می‌دهی، «لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّهُ شَيْءٌ أُوقِعَ عَلَيْكَ»؛ زیرا چه بسا نجاست در حین نماز به تو برخورد کرده باشد، «فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ».

این روایت مبارکه با تفصیل مذکور دارای دو فقره است که در هر دو، امام علیه السلام فرموده‌اند: «فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ»، که در فقره‌ی اولی کلمه‌ی «أبداً» ذکر شده است و به هر دو برای حجیت استصحاب تمسک شده است.

باید در این روایت غور بیشتری نمود تا دید آیا واقعاً دلالتی بر استصحاب دارد؟ و اگر دارد غیر باب طهارت را نیز شامل می‌شود؟ یا احیاناً قاعده‌ی یقین و یا قاعده دیگری را بیان می‌کند یا نه؟

بررسی دلالت صحیح‌هی دوم زراره

سؤال اول زراره مربوط به نسیان نجاست بود و سؤال دوم نیز مربوط به علم اجمالی به نجاست بود. در سؤال سوم بیان شد که گمان کردم دم رعاف یا شیئی از منی به لباسم برخورد کرد و نگاه کردم ولی چیزی ندیدم و نماز خواندم، سپس در آن دیدم، و حضرت فرمودند: لباس باید شسته شود اما این نماز اعاده ندارد، و وقتی زراره علت این مسأله را پرسید حضرت فرمودند: «لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَّكَتَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبداً».

بررسی احتمالات متصور در سؤال سوم (فقره‌ی اول استدلال بر حجیت استصحاب)

در سؤال سوم، چهار احتمال (بدواً) داده شده است:

احتمال اول: سه علم وجود دارد؛

۱. اینکه فحص نمودم و یقین کردم نجاستی به ثوب برخورد نکرده است.

۲. بعد از نماز یقین کردم نجاست در ثوب وجود دارد.

۳. یقین کردم این نجاستی که بعد از نماز دیدم همان نجاست مظنون است که با فحص آن را نیافتم.

این احتمال با روایت سازگاری ندارد؛ زیرا امام علیه السلام فرض فرمودند که چون یقین داشتی نباید آن را با شک نقض نمایی، در حالی که در این احتمال، شکی که مورد حکم امام علیه السلام است وجود ندارد؛ چه قبل از نماز و چه حین نماز و چه بعد نماز، بلکه سه علم وجود دارد و لذا جواب امام علیه السلام با این احتمال سازگاری ندارد. البته شک در صحت صلاة وجود دارد، اما مصب کلام امام علیه السلام یقین و شک نسبت به طهارت است.

احتمال دوم: دو علم وجود دارد؛

۱. نگاه می‌کنم و چیزی نمی‌یابم و علم به طهارت حاصل می‌شود و نماز می‌خوانم.

۲. بعد از نماز، علم به نجاست پیدا می‌شود، ولی علم ندارم که این نجاست همان نجاستی

باشد که فحص کردم و نیافتم و احتمال دارد نجاست دیگری باشد.

تعلیل امام علیه السلام قابل انطباق بر این احتمال است؛ زیرا حضرت فرمودند: یقین به طهارت داشتی و اکنون

که نجاستی دیدی و یقین نداری که همان نجاست قبلی است، پس آن یقین را نقض نکن.

اگر روایت را این‌چنین معنا کنیم می‌تواند دلیلی بر حجیت استصحاب باشد. اما احتمال هم دارد این

روایت بخواهد قاعده‌ی یقین را بیان کند؛ یعنی حضرت می‌فرمایند: با فحص، یقین به طهارت کردی و حین

نماز یقین به صحت نماز از ناحیه‌ی طهارت داشتی و اکنون شک کردی که چه بسا نماز تو از ناحیه‌ی

طهارت صحیح نبوده است و شک ساری است، حال امام علیه السلام می‌فرمایند: یقین سابق را با شک ساری مورد

نقض قرار نده. لذا احتمال می‌رود قول امام علیه السلام در این فقره برای بیان قاعده‌ی یقین باشد.

در نتیجه بنابر این احتمال، روایت نمی‌تواند دال بر استصحاب باشد بلکه مجمل می‌شود؛ چون هر دو

احتمال در این فرض دوم هم‌سنگ هستند.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی